

## ۲ جنایت برای فرار از زندان



نکته‌ای که شک کارآگاه را در پی داشت، نوع خودکشی زن بود. اگر فردی قصد داشته باشد با سلاح خودکشی کند، گلوله را به سر و صورت شلیک می‌کند. شلیک به شکم نشان از قتل زن جوان داشت و حرکت او به سمت در حکایت از آن داشت که او قصد داشته خود را نجات دهد، اما بعد از چند قدم دیگر نتوانسته قدم بردارد و جان باخته است. در مسابقه معمای پلیسی هفته گذشته ۱۳۹۴ نفر شرکت کردند که از این تعداد ۸۴۵ نفر پاسخ صحیح داده‌اند. از میان افرادی که پاسخ صحیح داده بودند، رضامیرزایی از سبزووارواشکان قانعی از تهران به قید قرعه برنده شدند.

و بازپرس دستور داد برای رازگشایی از این جنایت، سعید دستگیر شود.

سروان در مسیر بازگشت به خانه بود که افسر پاسگاه با او تماس گرفت و از کشف جسد سعید در نزدیکی شهرک در حاشیه جاده خبر داد. کارآگاه آدرس را گرفت و راهی آنجا شد و ساعت ۱۱ شب به محل کشف دومین جسد رسید. جسد مرد جوان در حالی که سلاحی در دستش بود و گلوله‌ای به قلبش اصابت کرده بود در کنار جاده قرار داشت. به نظر می‌رسید، او بعد از قتل به خاطر عذاب وجدان خودکشی کرده است.

پزشکی جنایی هم در گزارش اولیه خود گفت: حدود ۷ ساعت از مرگ می‌گذرد و اصابت گلوله به قلب باعث مرگ شده است. با کشف جسد قاتل، تحقیقات این پرونده هم به پایان رسید و جسد برای معاینات تخصصی به پزشکی قانونی انتقال یافت. صبح فردا، کارآگاه در اداره مشغول نوشتن گزارش این جنایت بود تا پرونده را به دادسرا ارسال کند که سه نکته توجهش را جلب کرد و با قرار دادن دوباره قطعات این پازل، راز جنایت را فاش کرد.

سریع دستور بازداشت حسابدار را گرفت و سراغ او رفت. مرد جوان که از دلیل بازداشتش شوکه شده بود سعی کرد منکر قتل شود اما وقتی متوجه اشتباهات خود در این سناریوپردازی شد به قتل مدیرعامل اعتراف کرد و گفت: آقای صالحی متوجه برداشت‌های من از حساب کارخانه شده بود و قصد داشت این موضوع را لو دهد. اگر شکایت می‌کرد با مدارکی که در دست داشت هرچه ساخته بودم، خراب می‌شد. تنها راهی که باقی مانده بود قتل او بود و برای اجرای نقشه‌ام مجبور به دو جنایت شدم.

سروان بعد از اعتراف حسابدار، او را روانه بازداشتگاه کرد تا صبح فردا همراه پرونده به دادسرا انتقال دهد.

ماجرای شد و به کمک او رفتند اما مدیر کارخانه به قتل رسیده بود و قاتل هم موفق به فرار شد.

سرگرد بعد از صحبت با افسر جوان سراغ حسابدار کارخانه که تنها شاهد ماجرا بود، رفت و از او خواست ماجرا را کامل تعریف کند: «امروز حوالی ساعت ۴ با انجام چند کار بانکی و اداری به کارخانه آمدم و نامه‌هایی که لازم داشتم را به اتاق آقای صالحی بردم تا امضاء کند. وقتی فهمید امروز ماشینم را تعمیرگاه گذاشته‌ام و با تاکسی می‌خواهم برگردم، گفت ساعت ۵ به دفترشان بروم تا با هم برگردیم. ساعت ۵ از کارخانه بیرون آمدم و هنوز ۲۰ متری فاصله نگرفته بودیم که با یکی از کارگران اخراجی کارخانه روبه‌رو شدیم. او معتاد بود و از انبار سرقت می‌کرد. آقای صالحی اخراجش کرده و گفته بود تا وقتی اعتیادش را ترک نکند به کارخانه بر نگردد. فکر کرد سعید اعتیادش را ترک کرده و کنارش توقف کرد. اما مرد معتاد سلاحی از زیر لباسش بیرون آورد و گلوله‌ای به سر آقای صالحی شلیک کرد و با موتور دور شد. خیلی شوکه شده بود و وقتی به خودم آمدم با داد و فریاد کمک خواستم که چند نفر از نگهبانان به کمکم آمدند اما دیر شده بود.

❖ **مورد مشکوک دیگری ندید؟**

نه. در این یک ساعتی هم که اینجا هستم، مورد مشکوکی ندیدم.

❖ **متهم پیش از این هم به کارخانه آمده بود؟**

من خبر ندارم. فکر کنم کینه‌اش از مدیر کارخانه به خاطر اخراجش باعث شد دست به این کار بزند.

کارآگاه سپس سراغ دکتر رفت که او هم در گزارش اولیه خود گفت: اصابت گلوله به پیشانی مرد میانسال باعث مرگ آنی او شده است.

با تحقیقات مقدماتی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد

❖ صدای شلیک گلوله، سکوت عصرگاهی شهرک صنعتی را شکست. بعد از آن صدای کمک خواهی پسر جوانی بلند شد. نگهبانان خود را به خیابان شهرک رسانده و با خودروی شاسی بلندی که به صورت کج مماس دیوار متوقف شده بود، روبه‌رو شدند. مرد جوانی هم کنار ماشین درخواست کمک داشت. آنها وقتی به کنار خودروی شاسی بلند رسیدند با پیکر غرق در خون آقای صالحی، مدیر کارخانه موتورسازی روبه‌رو شدند. سرش روی شیشه کنار راننده قرار داشت و به نظر می‌رسید گلوله به پیشانی‌اش اصابت کرده است.

دقایقی بعد ماموران پاسگاه منطقه همراه امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند و با معاینه مدیر کارخانه متوجه مرگ او شدند. ماجرای این جنایت به بازپرس جنایی و افسر اداره قتل پلیس آگاهی اعلام شد. آن روز شیفت سروان خسروی بود و او وقتی به محل جنایت رسید، هوا تاریک شده بود.

جسد در کنار خودرو قرار داشت و دکتر در حال معاینه آن بود. افسر پاسگاه با دیدن سروان به سمت او آمد و در گزارش ماجرا گفت: مقتول مرد ۶۵ ساله‌ای و رئیس کارخانه موتورسازی در این شهرک صنعتی بود. امروز عصر با تمام شدن کارش همراه حسابدار شرکت در حال بازگشت به سمت تهران بودند که یکی از کارگرهای اخراجی شرکت به سمت او شلیک کرد و باعث مرگ او شد و با یک دستگاه موتورسیکلت فرار کرد. نگهبانان با صدای کمک خواهی حسابدار متوجه

وحید شکری  
تپش

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز اختلاس هایش از حساب کارخانه، مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او، راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

مرد حسابدار برای فاش نشدن راز

اختلاس هایش از حساب کارخانه،

مرتکب دو جنایت شد، اما سه اشتباه او،

راز جنایت را فاش کرد

### آگهی فروش ضایعات

**شرکت پارس MCS** در نظر دارد، **ضایعات زیر را از طریق مزایده به فروش برساند.** متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند جهت بازدید از اقلام ضایعاتی و دریافت اسناد مزایده از روز **چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۲** به مدت ۸ روز در ساعت اداری به محل شرکت واقع در اصفهان منطقه صنعتی اشترجان مراجعه نمایند.

تلفن‌های تماس: ۰۵-۳۷۶۰۸۷۰۱ داخلی ۱۱۵ و ۳۳۳

❶ **حدود ۳۰۰ تن ضایعات فولادی** ❷ **حدود ۹۰۰۰ لیتر ضایعات روغن** ❸ **حدود ۱۶۰۰ کیلوگرم ضایعات کاترن، مقوا، کاغذ و ...** ❹ **حدود ۲۳۰ کیلوگرم انواع باتری ضایعاتی** ❺ **حدود ۲۴۰۰ کیلوگرم ضایعات رنگ پودری الکترواستاتیک** ❻ **حدود ۵ تن ضایعات چوبی ( پالت چوبی )**

کارت هوشمند خودرو ایسوزو ۶ تن، مدل ۱۳۸۹، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۱۱-۱۷۴ع ۷۶، شماره موتور 779776، شماره شاسی NAG088NPRF20276 به نام شرکت سایه سمن مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت هوشمند خودرو ایسوزو ۶ تن، مدل ۱۳۸۷، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۳۳-۵۶ع ۸۴۱، شماره موتور 668007، شماره شاسی NAG087NPRF10430 به نام شرکت سایه سمن مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت هوشمند خودرو ایسوزو ۶ تن، مدل ۱۳۹۴، به رنگ نارنجی روغنی، شماره انتظامی ایران ۷۸-۴۹ع ۸۷۱، شماره موتور 4HK1356657، شماره شاسی NAGNPR75PFT003304 به نام شرکت سایه سمن مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند قطعی منقول به شماره سند ۲۴۴۷۴ تاریخ ۹۳/۱۰/۱۳ دفترخانه ۱۶۰ رشت سواری پراید صبا، مدل ۱۳۸۹، رنگ سفید روغنی، شماره موتور 3565190، شماره شاسی S1412289500198 و شماره پلاک ۹۱۲۴۵۸-ایران ۴۶ به نام مجید رضائاد کژدهی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.